

خان آرزو در عرصه ادب و تحقیق

دکتر مهنور محمدخان

(استاد مؤسسه ملی زبان‌های نوین، اسلام آباد)

بعد از درگذشت اورنگ زیب عالمگیر، پادشاه تیموری در سال ۱۱۱۹ ه.ق، اگر چه آن تشویق‌ها و سرپرستی‌های گذشته از سرایندگان، عالمان و دانشمندان زبان و ادب فارسی که در دوره تیموریان متقدم هند وجود داشت و موجب جلب و کشش آنها از ایران به شبه‌قاره بود، به شدت خود باقی نماند، با وجود این در دوره تیموریان متأخر دانشمندان، محققان و ادیبانی مانند خان آرزو^۱ به ظهور رسیدند که در تمام رشته‌های زبان و ادب فارسی آثار بسیار ارزنده و گرانمایه به وجود آوردند.

سراج‌الدین علی خان معروف به خان آرزو یکی از نوابغ ادبی است که از سرزمین مردخیز و ادب‌پرور شبه قاره پاکستان و هند برخاسته‌اند. وی نه تنها سراینده‌ی زبردست و ادیبی ماهر بود بلکه در فنون زبان‌شناسی، فرهنگ‌نویسی، شعرشناسی، نقد ادبی و شرح متون نیز «اقتدار و دستگاه» کامل داشت (تذکره‌نویسی در هند و پاکستان، ص

۱. سراج‌الدین علی خان آرزو معروف به «خان آرزو» از شاعران و ادیبان ممتاز سده دوازدهم هجری است. او در ۱۰۹۹ ه. تولد یافت و در ۱۱۶۹ ه. چشم بر جهان بریست. برای اطلاعات بیشتر راجع به احوال خان آرزو رجوع شود به: تاریخ ادب اردو، جلد دوم، تألیف دکتر جمیل جالبی، ص ۱۴۸ تا ۱۶۴؛ خیابان گلستان، صفحه سیزده تا هفده؛ تذکره‌نویسی فارسی در هندو پاکستان، ص ۳۲۳ تا ۳۳۲؛ دایرة‌المعارف اسلامید اردو، ص ۶۱ تا ۶۴؛ احوال و آثار سراج‌الدین علی خان آرزو، تألیف دکتر ریحانه خاتون؛ و شاعری در هجوم منتقدان.

۳۳۰) و در میان دانشمندان و ادیبان سده دوازدهم هجری هیچ‌کس مانند وی جامع جمیع علوم و فنون نبوده است (همان، ص ۳۲۳).

خان آرزو در آن واحد شاعر، ادیب، تذکره‌نویس، زبان‌شناس، نقاد، شارح و لغت‌نویس بود، و به علت تنوع آثار و کثرت تحقیقات و لغت‌دانی، سرشناس اقران خود بود. او در رشته‌های مختلف ادب فارسی و اردو در مقام اجتهاد قرار داشت (مباحث، ص ۶۸ و ۶۹). و بر اثر تحقیقات و پژوهش‌های علمی و ادبی نه‌تنها روند و سیر ادبی عصر خود بلکه ادب مابعد را نیز تحت تأثیر عمیق قرار داد. اصول ادب‌شناسی و نقداللغت فارسی و اردو را وضع و پایه‌گذاری نموده مسیر جریان فرهنگ‌نویسی آینده را معین ساخت (همان جا).

خان آرزو در نگاه معاصران از جایگاه بسیار بلند و رفیعی برخوردار است. تمام تذکره‌های آن زمان پُر از ذکر عظمت و فضیلت ادبی وی هستند.

میر تقی در نکات الشعرا خان آرزو را چنین مورد تجلیل قرار می‌دهد: «شاعر زبردست قادر سخن عالم فاضل تا حال همچو ایشان به هندوستان جنت نشان به هم نرسیده بلکه بحث در ایران می‌رود» (تاریخ ادب اردو، ص ۶۱).

میر حسن در تذکره شعرای اردو، او را بعد از امیر خسرو دهلوی بزرگترین شاعر هندوستان به حساب می‌آورد و می‌گوید: «سرگروه سخن‌سنجان، استاد استادان... بعد از امیر خسرو چنین صاحب کمال، پرگو و خوشگو به مسامع عالمیان نرسیده» (همان جا).

فتحعلی خان وی را به خطاب «چراغ محفل فصاحت» معنون می‌کند (همان جا). لالائیک چند بهار در دیباچه فرهنگ بهار عجم و میر محمد محسن اکبرآبادی در کتاب خود به نام محاکمات الشعرا، خان آرزو را «سراج المحققین» خوانده‌اند (ورق ۷ ب و ۸ الف).

امام بخش صهبایی دهلوی که از محققان و ناقدان بزرگ شبه قاره بود خان آرزو را به نام «خان تحقیق نشان» یاد می‌کند (تنبیه الغافلین، ص شصت).

همچنین محتشم علی قلی خان وی را «استاد سراپا ارشاد» و شاه آفرین لاهوری «امام سخنوران» می‌نامند (گزینہ مجمع‌التفایس، ص ۱۱).

قایم چاندپوری در تذکره مخزن نکات می‌نویسد: «بالفعل در فضیلت و کمال فوقش متصور نیست. حق تعالی سلامتش دارد. و زیاد بر این از کمالات آن بزرگوار مثل من هیچ

مدان چه نویسد که شمارِ قطرهٔ آب باران نمودن سیاحتِ افلاک بيمودن است» (همان جا).

قاضی حافظ مشتاق، صاحبِ تذکرهٔ گلشنِ مشتاق از وی با القابِ «سراج و هاجِ محفلِ سخندانی و چشم و چراغِ آرزومندانِ مجلسِ غزل‌خوانی» یاد کرده است (پیوندهای فرهنگی ایران و پاکستان، ص ۳۶۷).

نصرت‌الله خان خویشگی در گلشن همیشه بهار راجع به خان آرزو می‌نویسد: «آرزو تخلص، سراج‌الدین علی خان نام، اظهار حالش معرّاً از آرزوست، چه عالمی با نامش به صد آرزو متوجه» (ص ۵۳).

مولانا محمدحسین آزاد در سخندانِ فارس، خان آرزو را به نام‌های «فیلسوفِ لغتِ فارسی» و «محقق ماهر زبان فارسی» یاد می‌کند (ص ۴۹).

و به گفتهٔ عابد رضا بیدار، صاحب‌گزینهٔ مجمع‌التفایس «کم باشد که ادبا و شعرای معاصر یکی از فاضلان زمان خود را بدین نمط خراج تحسین پیش کنند چنانکه آرزو از معاصران خود به‌بخش وافر یافته» (ص ۱۱).

خان آرزو و ذوقِ شعری و ادبی را به ارث برده بود و از جوانی به سرودنِ شعر و تألیف کتاب پرداخت. او شانزده ساله بود که غزل فارسی خود را که با مطلع زیر آغاز می‌گردد، سرود:

این حلقه حلقه زلف سیاه تو دام کیست این شوخ شوخ آهوی چشم‌تورام کیست

(گزینهٔ مجمع‌التفایس، ص ۳).

همچنین کتاب معروفِ خیابان گلستان را در اوان جوانی، یعنی در بیست سالگی در سال ۱۱۱۹ تألیف کرد که شاهد بارزی بر تسلط و چیرگی او در شعر و ادب فارسی است، و سی سال بعد، در ۱۱۴۹ در آن تجدیدنظر کرد. او در رشته‌های مختلف ادب آثار پرارزش و ماندگار به یادگار گذاشته است که می‌توان آنها را به موضوعات زیر دسته‌بندی کرد: کلیات اشعار؛ لغت؛ معانی و بیان و صرف و نحو؛ زبان‌شناسی؛ نقد ادبی؛ تذکره؛ شروح؛ متفرقات (رسایل و مکاتیب).

کلیات اشعار

الف) کاینات فارسی، بیش از سی هزار بیت دارد (تاریخ ادب آردو، ۶۲؛ گزینه...، ۶) که شاملِ غزلیات، قصاید، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مثنویها و متفرقات است. وی

بعضی از غزلیات خود را در جواب شاعران ایرانی مانند شفیعی شیرازی، سلیم تهرانی، بابافغانی شیرازی و کمال خجندی سرود که دلیل بارز کمال مهارت وی در شعرگویی است (تاریخ ادب اردو، ص ۱۵۱ و ۱۵۲).

ب) شعر اردو. خان آرزو مانند سخنوران معاصر خود به دوزبان فارسی و اردو شعر می سرود. اگرچه نتوانست دیوان اردو را تدوین کند ولی تذکره نویسان معاصر او و بعد تسلط و قدرت وی را در شعر اردو معترف بوده اند. شاعران بلند پایه اردو مانند میر تقی میر، میرزا محمد رفیع سودا، میرزا مظہر جان جاناں و میر درد او را استاد خود دانسته اند. و تذکره نویسان نظر به نقش بزرگ خان آرزو و در تربیت بزرگان ادب اردو و ترویج و شکوفایی شعر و ادب آن زبان، وی را به لقب استاذ الاساتذہ (تاریخ ادب اردو، ص ۶۱) و شعرای اردو زبان را عیال خان آرزو (آب حیات، ص ۱۰۳ و ۱۰۴) یاد کرده اند. اشعار اردوی خان آرزو به صورت پراکنده در تذکره ها موجود هستند.

لغت

آرزو اگرچه در انواع مختلف ادب آثار پرارزش به یادگار گذاشته است ولی موضوع اصلی فعالیت های ادبی و پژوهشی او فرهنگ نویسی است. وی در فن لغت نویسی به سبب این که شاعر، نقاد، شارح، مفسر و زبان شناس بود بر سایر فرهنگ نویسان برتری دارد (مباحث، ص ۴۵). آرزو در لغت نویسی از اطلاعات و تسلط خود بر زبان های فارسی و سانسکریت بسیار استفاده کرد چنان که در کتاب های خود جابه جا به این امر اشاره کرده است. از مطالعه تألیفات لغت شناسی خان آرزو درمی یابیم که آثار متقدمین در این زمینه چه قدر کم رنگ و بی مایه بوده اند. سراج اللغات، چراغ هدایت، نوادر الالفاظ و زواید الفواید او از همان زمان تألیف تا امروز همواره مورد استفاده و توجه دانشمندان، پژوهشگران و استادان زبان و ادب فارسی بوده اند. سراج اللغات، دارای تقریباً چهل هزار واژه، که در ۱۱۴۷ تألیف شده تألیفی است در علم نقد لغت نه یک فرهنگ محض واژه ها. نویسنده در این کتاب واژه های فرهنگ های پیشین مانند فرهنگ رشیدی و برهان قاطع را مورد بررسی و نقد قرار داده است، و این امر بیانگر مقام بلند خان آرزو در فن لغت شناسی و نقد آن است. او علاوه بر این، اولین بار در سراج اللغات مباحث زبان شناسی را مطرح کرده و توافق و اشتراک زبان های فارسی و هندی را به اثبات رسانده است (فرهنگ نویسی فارسی...، ص ۱۰۹ تا ۱۱۴؛ خیابان گلستان، ص نوزده و بیست).

چراغ هدایت نیز دلیل بارزِ طبعِ خلاقِ خان آرزوست. در این فرهنگ، لغات و واژه‌هایی آورده شده‌اند که شاعران و سخنورانِ عهد صفوی در دیوان‌های خود به کار برده بودند و طبعاً این لغات و تراکیب در فرهنگِ جهانگیری، مجمع‌الفرس، فرهنگِ سروری، فرهنگِ رشیدی و برهانِ قاطع وجود نداشته‌اند. خان آرزو در تألیفِ چراغ هدایت سرمشق و الگویی نداشت و ابتکار و جدیت به خرج داده است. این کتاب چون برای شاعران و سرایندگانِ شبه قاره بسیار مفید و سودمند بود، مقبولیتِ زیاد یافت. از این حیث چراغ هدایت بدون تردید یک اثر پرارزش است و شاهد و دلیل روشنی بر طبع خلاق و بدیع و باریک‌بینی مؤلف آن است (بنگرید به: فرهنگ‌نویسی فارسی...، ص ۱۱۴ تا ۱۱۸؛ خیابان گلستان، ص بیست و یک؛ غیاث اللغات، ج ۳).

نوادرالفاظ تصحیح و ترمیم غرایب اللغات عبدالواسع هانسوی است که فرهنگ لغات اردو-فارسی است. در این کتاب نیز خان آرزو به علاوه تصحیح اغلاط هانسوی، اضافات سودمند و انتقادات عالمانه به عمل آورده است. آرزو علاوه بر اصلاح معانی لغات، در ترتیب غرایب اللغات نیز اصلاحاتی نموده است که بیانگر قریحه خلاق و مبتکر او هستند (نوادرالفاظ، «مقدمه»؛ تاریخ ادبیات مسلمانان، ۳۸۹/۵؛ احوال و آثار سراج‌الدین علی خان آرزو، ص ۱۲۳).

معانی و بیان و صرف و نحو

خان آرزو به علاوه داشتنِ قدرت و مهارتِ کامل در فنِ سخنگویی و لغت‌نویسی، در فنونِ ادبی نیز استادِ چیره‌دست بوده است. وی در این موضوع آثار متعدد مانند عطیه کبری، موهبتِ عظمی و معیارالافکار و غیره دارد. طبق گفته خودش عطیه کبری و موهبتِ عظمی اولین کتاب‌هایی هستند که در زمینه علم بیان و معانی تألیف شده‌اند (تذکره‌نویسی فارسی...، ص ۳۳۴).

زبان شناسی

خان آرزو در زبان‌شناسی مسلماً نابغه روزگار بوده است. و گویا در اصل زبان‌شناس خلق گردیده بود. او در شبه قاره اولین کسی است که در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی و مقابله‌ی تبعاتی انجام داده است. به عقیده دکتر سید محمد عبدالله استادِ دانشمند دانشگاه پنجاب، الحق که خان آرزو در حکم یک فصل باشکوه تحقیق و پژوهش در زمینه

زبان‌شناسی فارسی به حساب می‌آید (مباحث، ص ۸۴). وی اولین زبان‌شناس فارسی است که وحدت و اشتراک بین زبان‌های فارسی و هندی را کشف کرده است. آرزو این انکشاف را کارنامه بزرگ علمی و ادبی خود می‌داند. او در کتاب‌های خود جابه‌جا از بی‌همتایی خود در این زمینه یاد می‌کند، مثلاً در مئمر (ص ۲۲۱) می‌نویسد:

«حق آن است که تا الیوم هیچ‌کس به دریافت توافق زبان هندی و فارسی، با آن همه کثرتِ اهل لغت، چه فارسی و چه هندی و دیگر محققان به این فن، مهتد نشده‌اند الا فقیر آرزو... و کسی که متبع و پیرو این عاجز باشد. و این اصل را مقرر کرده و بنای تصحیح بعضی از الفاظ فارسیه بدین گذاشته، چنانچه در کتب مصنفه خود مثل سراج‌اللغات و چراغ هدایت و غیره نوشته‌ام و عجب است از رشیدی و غیره که در هندوستان بوده‌اند و هیچ لحاظ نکرده‌اند که در این دو زبان توافق است».

خان آرزو با کشف اصول توافق بین زبان‌های فارسی و هندی به زبان‌شناسی فارسی یک بُعد جدید بخشیده است. وی عقیده دارد که این زبان‌ها هم ریشه و هم خانواده‌اند و مشترکات زیاد لغوی، لسانی و معنوی دارند. نظریه اشتراک زبان‌ها را که اکنون عمومیت پیدا کرده نخستین بار خان آرزو ارائه داد. از مطالعه آثارش برمی‌آید که ذهنش به جای پرداختن به قواعد محض دستوری، در تلاش ابداع اصول فقه‌اللغه بوده است (مباحث، ص ۶۶).

خان آرزو اگرچه در اکثر تألیفاتش به مسایل زبان‌شناسی پرداخته است ولی کتاب مئمر در این خصوص از همه مهم‌تر است. مئمر حاوی اطلاعاتی وسیع درباره مشترکات زبان‌های فارسی و هندی است و از این لحاظ اثری بی‌سابقه و منحصر به فرد است. هرچند که امروز بعضی از عقاید و نظرات خان آرزو، به علت وسعت و پیشرفت تحقیق و پژوهش در زمینه زبان‌شناسی، چندان مورد توجه و اعتنا نیستند، با این همه در مئمر راجع به فقه‌اللغه فارسی مطالب سودمند بسیار وجود دارد. بحث‌های عالمانه وی در این کتاب بیانگر تسلط و چیرگی او بر زبان‌های فارسی، هندی و عربی است. همچنین در مئمر اولین بار راجع به علم لغت به تفصیل بحث شده و درباره فرهنگ‌های جهانگیری، رشیدی و برهان قاطع و غیره مطالعه تطبیقی و تقابلی به عمل آمده است که در زبان فارسی قبل از این هیچ‌کس به آن نپرداخته است و می‌توان گفت که خان آرزو اول کسی است که این نوع کار مهم علمی و پژوهشی را انجام داده است.

نقد ادبی

خان آرزو در رشته نقد ادبی و سخن‌سنجی نیز بر هم‌عصران خود برتری مسلم دارد و اگر وی را بنیانگذار نقد ادبی در زبان فارسی بگوییم راه مبالغه نرفته‌ایم. اگرچه منیر لاهوری (م ۱۰۵۹ هـ) با نوشتن کارنامه و سرودن قصیده‌یی در محاکمه شیدای فتحپوری، فن نقد را آغاز نموده بود ولی او فقط به اعتراض اکتفا کرد و به نقد واقعی نپرداخت. آرزو با تألیف کتاب‌هایی مانند *داد سخن*، *سراج منیر*، *تنبیه الغافلین*، *احقاق الحق* و *سراج وهاج* در زمینه نقد ادبی استادی و برتری خود را به اثبات رسانید. در میان این تألیفات نقد سخن به کمال رسیده است. مطالعه این آثار نشان می‌دهد که خان آرزو در نقد ادبی از قریحه و استعداد ویژه برخوردار بوده و تألیفات وی را بی‌تردید می‌توان عالی‌ترین نمونه‌های نقد ادبی در زبان فارسی دانست. آرزو در تمام کتاب‌های خود مباحث نقد و محاکمه را کاملاً بی‌طرفانه و به دور از هر نوع تعصب و طرفداری به عمل آورده است. او برای اثبات آرا و براهین خود به آیات استادان سخن استناد می‌کند و با سنجیدن اشعار سخنوران معاصر بر محکم کلام بزرگان ادب، محاسن و معایب آنها را بیان می‌کند. نظر به این ویژگی‌ها می‌توانیم بگوییم که خان آرزو و مؤسس و بنیانگذار نقد ادبی در زبان فارسی است (بنگرید به: *تنبیه الغافلین*، شاعری در هجوم منتقدان؛ نقد شعر فارسی در شبه قاره).

تذکره‌نویسی

خان آرزو در تذکره‌نویسی نیز جایگاه بلندی دارد. *مجمع‌التفایس* او یک شاهکار ادبی است و برای زنده جاوید ساختن وی بسنده می‌کند. خان آرزو در این تذکره راجع به احوال و آثار شاعران چنان جامع و فراگیر اظهار نظر کرده است که بر مبنای آن می‌توان *مجمع‌التفایس* را در شمار دایرة‌المعارف‌ها به حساب آورد. یکی از امتیازات این اثر نقد شعر معاصران، متقدمین و گفته‌های سایر تذکره‌نویسان است. آرزو در این تذکره در ضمن بحث راجع به شعر و شاعری سرایندگان، سبک و شیوه سخنوری آنان را نیز مورد نقد قرار می‌دهد و معایب و محاسن سخنان آنان را بیان می‌کند. وی در لابه‌لای این بحث‌ها مسایل زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی را مطرح نموده، راجع به آن مسایل اظهار نظر می‌کند. با توجه به این خصایص *مجمع‌التفایس* تنها تذکره احوال شاعران نیست بلکه بهترین نمونه نقد ادبی و شاهکار ادب متعالی گذشته است. از این

نظر هیچ تذکره‌دیگر فارسی به مقام مجمع‌النفایس نمی‌رسد. این کتاب به مناسبتِ دربر داشتنِ اطلاعاتِ فراوان درباره‌ی فرهنگ و تمدن و وقایع مهم تاریخ قرن دوازدهم هجری به علاوه‌ی بازآفرینی ادب گذشته، از حیث، وثایق نویسی آن عهد نیز ارزش زیاد دارد. و این ویژگی خان آرزو را بر سایر تذکره‌نویسان تفوق و برتری می‌بخشد.

شرح متون ادبی

خان آرزو از حیث شرح متون فارسی هم مقامی بلند دارد. وی بهترین شارحی است که از سرزمین شبه قاره برخاسته است. او برچندین اثر معروف فارسی شرح نوشته است مانند خیابان گلستان در شرح گلستان سعدی، شکوفه زار در شرح نیمه اول اسکندرنامه نظامی گنجوی، شرح قصاید عرفی و شرح گل‌کشتی در شرح مثنوی میرنجات. این شرح‌ها کاملاً به سبک جدید نگاشته شده‌اند و از اعتبار و ارزش زیاد برخوردارند. در تمام شرح‌ها مسائل دقیق زبان‌شناسی، معانی و بیان، بدیع، عرفان و حکمت به طور عالمانه مورد بررسی قرار داده شده‌اند. وی در ضمن شرح مطالب و مفاهیم متون، قواعد دستوری و اصول تحقیق را کاملاً پیش نظر دارد. او در بعضی از جاها صنایع لفظی و ادبی را نیز مورد بحث قرار داده است. آرزو در این کتاب‌ها به جای شرح متون، بیشتر شرح‌های سابق این متون را مقایسه و مقابله نموده، اغلاط و نارسایی‌های آنها را با ذکر شواهد بیان کرده است. در ضمن، رجحان و برتری یک شرح بر شرح دیگر را ذکر می‌کند. شرح‌های خیابان گلستان و شکوفه زار آرزو روش تطبیقی و مقابله‌یی را به کار بسته‌اند که در ادب فارسی بی سابقه است و شاهد بارزی بر سبک انفرادی و رفعت فضل و دانش وی هستند (خیابان گلستان، «مقدمه»).

در نوشته‌های متفرق آرزو نیز سبک منحصر به فرد و مخصوص وی به خوبی نمایان است و بیانگر وسعت اطلاعات و کمال علم و دانش او هستند.

اگر به گفته‌های فوق نگاه دوباره بيفکنیم پی می‌بریم که در انواع رشته‌های زبان و ادب فارسی در آن عصر هیچ‌کس مانند خان آرزو مجموعه علوم و فضایل نبوده است. وی در زبان‌شناسی تابعه روزگار بود و در تحقیق و تدقیق لغت و شعر و عروض و دستور تسلط و قدرت او زایدالوصف است. کلام منظوم او از نظر کمیت و کیفیت در مقام بسیار رفیع قرار دارد. همچنین در زمینه زبان‌شناسی، فرهنگ‌نویسی و تحقیق همانند ندارد. نظر به همین ویژگی‌ها شخص وی برای ادیبان و سخنوران آن عصر سرچشمه فیض و

هدایت تلقی می‌شود. اما با وجود این عظمت و فضیلت، اشعار و تألیفاتش چنان که سزاوار بوده مورد توجه و عنایت قرار نگرفته‌اند و کتاب‌های بسیار پرازش او مانند سراج‌اللغات، مجمع‌النفایس، مثمر، شکوفه‌زار و کلیات اشعار تا اکنون به چاپ نرسیده‌اند. این آثار به فحوای گفته‌ی خان آرزو:

عشق روزی که به ما خلعت سودا بخشید جامه داری به من از دامن صحرا بخشید
(گلشن همیشه بهار، ص ۵۳).

همچنان در انتظار شیفتگان و فرهیختگان ادب فارسی هستند که آنها را از زیر خاک بیرون آورده از نابودی نجات دهند تا فروغ و درخشش بیشتر زبان فارسی در شبه‌قاره فراهم آید.

منابع

۱. آب حیات، تألیف محمدحسین آزاد، چاپ اسرار کریمی، پریس، ۱۹۶۷ م.
۲. احوال و آثار سراج‌الدین علی‌خان آرزو، تألیف دکتر ریحانه خاتون، دهلی، هند، ۱۹۸۷ م.
۳. اورینتال کالج میگزین، یونیورسٹی اورینتال کالج، لاهور، نوامبر ۱۹۴۳ م.
۴. پیوندهای فرهنگی ایران و پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد، ۱۹۷۷ م.
۵. تاریخ ادب اردو، جلد دوم، تألیف دکتر جمیل جالبی، چاپ سوم، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۹۴ م.
۶. تاریخ ادب اردو، دکتر رام بابوسکسینه، ترجمه مرزا محمد عسکری، چاپ کتابفروشی علمی، لاهور، ۱۹۸۰ م.
۷. تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، جلد ۵، انتشارات دانشگاه پنجاب، لاهور.
۸. تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر علی رضانقوی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۴۷ ش.
۹. تنبیه‌الغافلین، سراج‌الدین علی‌خان آرزو، به تصحیح دکتر سید محمداکرم شاه اکرام، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۴۰۱ ه. ق.
۱۰. چراغ هدایت (جلد سوم فرهنگ غیاث‌اللغات)، خان آرزو، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی معرفت.
۱۱. خیابان گلستان، سراج‌الدین علی‌خان آرزو، به تصحیح دکتر مهرنور محمدخان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
۱۲. داد سخن، خان آرزو، به تصحیح دکتر سید محمداکرم شاه اکرام، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۵۲.
۱۳. دایرة‌المعارف اسلامی اردو، دانشگاه پنجاب لاهور.
۱۴. سخن‌دان فارس، چاپ مکتبه ادب اردو، لاهور.

۱۵. شاعری در هجوم منتقدان، دکتر شفیع کدکنی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۶. فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر شهریار نقوی، تهران، ۱۳۴۱.
۱۷. گزینہ مجمع‌النفایس، سراج‌الدین علی خان آرزو، به کوشش عابد رضا بیدار، پٹنہ، ہند.
۱۸. گلشن ہمیشہ بہار، نصر اللہ خویشگی، بہ اہتمام دکتر اسلم فروخی، انجمن ترقی اردو، کراچی.
۱۹. مباحث، دکتر سید محمد عبداللہ، مجلس ترقی ادب، لاہور.
۲۰. مٹمر، خان آرزو، بہ کوشش خانم دکتر ریحانہ خاتون، مؤسسہ مطالعات آسیای میانہ و غربی، دانشگاه کراچی، ۱۹۹۱ م.
۲۱. نقد شعر فارسی در شبہ قارہ، دکتر ظہور الدین احمد، مرکز تحقیقات فارسی، ۱۳۴۷.
۲۲. نوادر الالفاظ و غرایب اللغات، خان آرزو، بہ کوشش دکتر سید محمد عبداللہ، انجمن ترقی اردو، کراچی، ۱۹۵۱ م.

